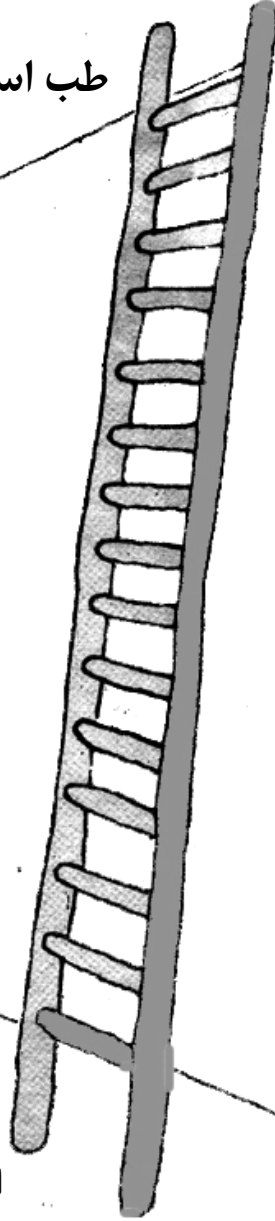


طب اسلامي (سنتي)

9

طب مدرن (غربي)



به انضمام

اصول تغذيه اي حفظ سلامتي و تندرستي

تهيه شده توسط جمعی از دانشجویان دانشکده علوم حدیث شهرری وابسته به
آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)

نیست سبب غلام

امام خمینی رحمه الله علیه : « سابق این طور بوده است که کتب طبیبی شرق در اروپا رفته است، اروپا را طبیب کرده و آن طبیب های بزرگ را درست کرده. کتب شرق بوده است، کتاب شیخ الرئیس بوده، کتب رازی بوده است، و اینها کار کردند. حالا چه شده است که ما حالا بعد از اینکه تمدن از شرق طرف غرب رفته است، شرق تمدن را صادر کرده به غرب، حالا ما به واسطه یک کارهای ناشایسته ای باید عقب افتاده باشیم و دستمان را طرف غرب دراز کنیم، باید شرق سرپای خودش بایستد و خودش رایباید.»

دیدگاههای فرهنگی امام خمینی رحمه الله علیه - کبری اسدی مقدم



مقدمه:

مطالعات و پژوهشهای تاریخی بیانگر این نکته است که صدها سال قبل اطبای مسلمانی چون ابن سینا، زکریای رازی و... با الهام گرفتن از سخنان گهربار معصومین علیهم السلام و مینا قراردادن آنها^۱ و همچنین با تکیه بر تجربیات شخصی و اطبای دیگر، مکتبی را در پزشکی بارور کردند که امروزه -علیرغم تمام نامهربانیها و سنگ اندازیهای یک قرن اخیر- در عمده بیماریهای قدیم و جدیدی که پزشکی مدرن از انجام آنها عاجز است، کارگشا و درمانگر است. در نوشتار پیش روی سعی بر این است تا اصول کلی درمان در طب اسلامی - سنتی و برتری آن نسبت به روش های درمانی طب مدرن با بیانی ساده و خالی از اصطلاحات تخصصی پزشکی بصورت بسیار خلاصه و اجمالی، مطابق اسلوب تحلیلی طب اسلامی - سنتی در هفت بخش و یک ضمیمه ارائه گردد. خوانندگان محترم در صورت تمایل به تحقیق و بررسی بیشتر حول برخی از مباحث طبی مطروحه در این جزوه می توانند به کتب و مقالات منتشره در این باره به خصوص مقالات تحقیقی، عالمانه و منحصر به فرد مرحوم سید عبدالله خلیلی مراجعه فرمایند. گلچینی از این مقالات به همراه سخنرانی دکتر حسین روازاده، در قالب لوح فشرده در دسترس علاقمندان می باشد. همچنین در رابطه با برخی از مباحث غیر طبی جزوه، مطالعه کتابهای «توسعه و مبانی تمدن غرب» نوشته سید شهیدان اهل قلم سید مرتضی آوینی و «اسلام و تجدد» نوشته آقای مهدی نصیری پیشنهاد می گردد.

پیشاپیش از خواننده محترم تقاضامند است کاستیها و قصورات ناخواسته این مجموعه را به دیده اغماض نگریسته، عفو فرمایند.

۱. البته این سخن نه تنها به معنای انطباق کامل طب سنتی با احادیث طبی موجود در منابع حدیثی نیست، بلکه در مواردی نظر برخی از بنیانگذاران آن، با احادیث نقل شده از ناحیه معصومین علیهم السلام متفاوت است که شاید بتوان عدم دسترسی بنیانگذاران اولیه طب اسلامی-سنتی همچون ابن سینا به جوامع معتبر حدیثی را از دلایل این تفاوت نام برد. (جوامع حدیثی معتبر شیعه دهها سال پس از وفات سردمداران طب سنتی تدوین شد).

بخش اول: فرایند درمان در طب اسلامی - سنتی

از دیدگاه طب اسلامی-سنتی، تعادل اخلاط چهارگانه موجود در خون (سودا، صفرا، بلغم و خون)^۱ عهده دار تأمین بخش عمده ای از تندرستی و سلامت و به هم خوردن تعادل یک یا چند خلط از اخلاط فوق، عامل ایجاد طیف گسترده‌ای از بیماریها می‌باشد. اساس فرایند درمانی طب سنتی نیز در وهله اول بازگرداندن طغیان اخلاط به حالت تعادل از راه اصلاح خون است که بخش اعظم آن فقط و فقط با «اصلاح تغذیه»^۲ میسر می‌باشد، چرا که اجزاء متشکله خون یعنی اخلاط چهارگانه از مواد غذائی وارد شده به معده تولید می‌گردد. ناگفته نماند چون در چرخه تولید خون صالح و سالم، سه عضو «کبد، قلب، مغز» و معده نقش اساسی و حیاتی ایفا می‌نمایند^۳ حفظ سلامتی این اعضاء در طب اسلامی-سنتی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. بعد از این مرحله، اصلاح سردی با گرمی و بالعکس و اصلاح خشکی با تری و بالعکس، همچنین دفع مضرات مواد غذایی بوسیله مصلحات آنها در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرند.^۴ در صورتیکه پس از طی مراحل فوق، بیماری پابرجا باشد نوبت به تجویز دارو^۵

۱. امام صادق علیه السلام در کتاب توحید مفضل می‌فرماید: « وقتی که غذا وارد معده شد به صورت کشکاب در آمده و برای طبخ ثانی از طریق عروق مربوطه در روده ها، به کبد می‌رود و پس از هضم ثانی به صورت سودا، صفرا، بلغم و خون در بدن جریان می‌یابد.»

۲. چرا که بر اساس روایت نبوی « معده خانه بیماریها و پرهیز سرآمد هر دارویی است.» بحار، ج ۵۹، ص ۲۹۰ و روایات مشابه دیگر، پیشگیری از بیماری باید از معده (اصلاح تغذیه) آغاز گردد.

۳. نظر به جایگاه ویژه سه عضو: کبد، قلب و مغز در چرخه سلامت، در متون طب قدیم با عنوان (اعضای رئیسه بدن) ذکر شده اند.

۴. برای اطلاع از سردی، گرمی، خشکی، تری و مصلحات مواد غذائی به منابع معتبر مراجعه فرمائید. کتاب منافع الاغذیه و مضارها، که از تألیفات منحصر بفرد زکریای رازی در این باره محسوب می‌شود منبع قابل استفاده‌ای است. این کتاب در سال ۱۳۴۳ شمسی توسط انتشارات تابان و با ترجمه دکتر محمد یوسف هروی چاپ شده است و بر حسب اطلاعات موجود آخرین ترجمه کتاب رازی است و هم اکنون نایاب است. در صورت صحت این موضوع، ترجمه این کتاب دست اول و نفیس، مشمول بند شماره ۴ بخش چهارم جزوه حاضر می‌شود و شایسته است توسط یک یا چند مترجم زبان عربی، جهت دسترسی آسان عموم، به فارسی روان امروزی ترجمه و چاپ گردد.

۵. در طب اسلامی-سنتی راهبرد اصلی این است که تا حد امکان از دارو (به معنای خاص کلمه) استفاده نشود. زیرا مصرف دارو علاوه بر درمان بیماری، فرسودگی اعضای بدن را نیز به همراه دارد:

حضرت علی علیه‌السلام: «نوشیدن دارو برای بدن مانند صابون برای لباس است که آن را پاکیزه ولی فرسوده می‌سازد.» مو سوعه احادیث طب آیة الله ری شهری، ج ۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «از مصرف دارو تا وقتی که بدنت بیماری (درد) را تحمل می‌کند اجتناب کن، پس اگر نتوانست بیماری (درد) را تحمل کند از دارو استفاده کن.» مو سوعه احادیث طب آیة الله ری شهری، ج ۱

می‌رسد که طبیب متبحر برحسب مزاج و طبع افراد از داروهای گیاهی، ترکیبی و دیگر روشها، جهت ریشه‌کنی آن بهره می‌گیرد. جراحی نیز در صورت ضرورت در آخرین مراحل روند درمان توسط طبیب اعمال می‌شود.

بخش دوم: مزایای طب اسلامی - سنتی

مهمترین مزیت و افتخار طب اسلامی-سنتی، پی‌ریزی اصول و مبانی بنیادی آن بر پایه فرمایشات گهربار اهل بیت عصمت و طهارت سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین در زمینه طب می‌باشد که بواسطه علم الهی و خطاناپذیر خویش از احاطه ای تام و تمام بر حقیقت ابعاد روحانی و جسمانی انسان برخوردار بودند، فلذا طب اسلامی-سنتی به برکت اتکاء بر این موهبت بی نظیر، پس از گذشت حدود چهارده قرن همچنان پیشرو، بدیع و پویاست. (حال آنکه اساس طب مدرن چنانچه خواهد آمد بر پایه علم و اندیشه ناقص و پرخطای بشری یعنی علم منقطع از وحی بناگشته‌است.) در سایه هدایت‌های فوق بشری مهمترین مزیت دیگر این مکتب طبیبی، ریشه‌کنی و درمان کامل بیماری به جای سرکوب علائم ظاهری بیماری است. عدم وجود عوارض جانبی و بعضاً ناچیز در داروهای تجویز شده به علت منشأ طبیعی و سازگاری با طبیعت بدن، تشخیص دقیق بیماری بدون نیاز به تجهیزات پیچیده و گران قیمت، هزینه ناچیز نسبت به هزینه‌های هنگفت درمان بیماری در طب رایج را می‌توان به عنوان مزایای دیگر این مشرب طبیبی فهرست کرد.

اما خمینی رحمه‌الله علیه : « مستحب است بیمار در نوشیدن و مصرف دارو و مراجعه به پزشک شتاب نرزد مگر در صورت یأس از خوب شدن بدون دارو و مراجعه به پزشک.» رساله عروة الوثقی

زکریای رازی : « اگر پزشک بتواند بیمار را با غذا درمان کند نه دارو، حکیمی موفق و سعادتمند است.» رساله فقهی پزشکی، آیه ۱۰۰۰ بی‌آزار شیرازی

با تمام این تفاسیر اگر طبیب متبحر مصرف دارو یا داروهای را برای یک بیمار ضروری تشخیص دهد با اعمال روشهایی خاص از قبیل قطع و وصل هوشمندانه دوره مصرف، از خوگرفتن بدن بیمار به دارو جلوگیری می‌کند. در حالیکه طب مدرن در مورد تعداد قابل توجهی از بیماریها بواسطه مبانی غلط چاره ای جز تجویز مادام‌العمر دارو ندارد.

۱. حکیم مجرب قادر است از طریق زبان، ادرار، نبض، صورت، پوست، دمای بدن و روشهای دیگر بسیاری از بیماریهای درونی را تشخیص دهد. در مورد نبض خالی از لطف نیست که بدانید حکمای قدیم بیش از ۵۰ نوع نبض شناسائی کرده بودند و با تشخیص نبض بیماران قادر به تشخیص طیفی از بیماریها در بدن بودند.

در این مجال، برای روشن شدن مزایای توصیه‌های عمومی و درمانی طب سنتی، از باب مشت نمونه خروار به تشریح فواید یک توصیه دینی-طبی و تبیین کلی نحوه درمان یک بیماری نسبتاً فراگیر، در طب اسلامی-سنتی و طب مدرن، اکتفا می‌گردد.

الف: ترک وعده غذائی ناهار

یکی از توصیه‌های مشترک دینی و طبی، ترک وعده غذائی ناهار است^۱ که گوشه ای از فواید حکیمانه و نحوه اجرای آن به شرح ذیل است:

قبل از ورود به اصل موضوع متذکر می‌گردد که پیش نیاز اجرای موفق توصیه فوق الذکر دو شرط مهم است که در صورت عدم رعایت، عمل به این توصیه، فایده چندانی نخواهد داشت.

شرط اساسی حذف وعده ناهار، صرف صبحانه ای مقوی^۲ در ابتدای روز (حدود ۲ ساعت بعد از طلوع آفتاب) به منظور ذخیره انرژی کافی تا وعده غذائی شام، و شرط مکمل، صرف شام هنگام غروب آفتاب^۳ (ساعات اولیه شب) می باشد. رعایت شرط اول باعث بی‌میلی فرد به غذا در میانه روز و میل به صرف غذا در هنگام غروب آفتاب است. با اجرای شرط مکمل، یعنی صرف شام در ساعات اولیه شب، اعضای اصلی دخیل در هضم (مغز و سلسله عصبی، کبد، قلب و معده) برای هضم غذا وارد عمل می‌شوند و ظرف حدود ۳ ساعت یعنی تا اواسط شب و پیش از ساعت خواب غذا را هضم کرده، پس از انجام وظیفه به استراحت و تجدید قوا می‌پردازند.

در طرف مقابل، شخصی که عادت به صبحانه نداشته یا صبحانه کم قوت میل می‌کند طبعاً به هنگام ظهر برای تأمین نیروی فعالیت روزانه نیازمند غذای مفصلی می‌گردد که با صرف آن معمولاً تا اواسط شب اشتیاهی به میل غذا نخواهد داشت. این امر باضافه شرایط خاص اجتماعی از قبیل ساعات کاری و تحصیلی اعضای خانواده، همچنین اهمیت زیاد وعده غذائی شام از نظر کمی و کیفی نزد غالب خانواده های ایرانی باعث می‌شود شام اواسط شب به بعد^۴ میل گردد که سنگینی معده به همراه خستگی ناشی از فعالیت های روز مره و عوامل دیگر دست به دست هم داده، اندک زمانی بعد خواب را میهمان چشم ها می‌گردانند.

۱. در اول روز و اول شب غذا خورده شود و از خوردن غذا در نیمه روز و نیمه شب خود داری گردد. رساله امام خمینی رحمه الله علیه -

همچنین بنگرید به رساله آیات عظام سیستانی، مکارم شیرازی و...

۲. مثل عسل، کره محلی، ارده شیر، ارده عسل، بادام، گردو، فندق، پسته

قابل ذکر است سازمانهای بهداشتی درمانی جهانی در چند سال اخیر به اهمیت وعده صبحانه پی برده و به تبلیغ گسترده مصرف صبحانه روی آورده اند. در حالیکه ۱۴۰۰ سال پیش حضرت علی علیه السلام در پاسخ به سؤال کسی که پرسید چه چیز باعث طول عمر می‌شود؟ فرمودند: «فلیبا کر العذا» یعنی: «خوردن غذای کافی در هر بامداد» رساله فقهی پزشکی، آیه ا... بی‌آزار شیرازی

۳. البته در صورت احساس گرسنگی شدید به هنگام ظهر، سد جوع با چند لقمه مختصر یا مقدار کمی میوه و تنقلات و... بلامانع است.

۴. حدود ساعت ۲۲ به بعد

با افت شدید هوشیاری مغز لحظاتی پس از خواب و در پی آن کاهش کمیت و کیفیت فعالیت دیگر عضوهای مسؤوّل هضم غذا، امکان فرماندهی و مدیریت مطلوب مراحل چندگانه هضم از مغز سلب می شود. بی تحرکی هنگام خواب نیز مزید بر این نقیصه شده و هضم مواد غذایی درون معده بصورت ناقص انجام می شود و نتیجتاً در دراز مدت فرد را مستعد انواع بیماریهای گوارشی از قبیل یبوست، سرطان معده و روده می گرداند. حلقه لطمه بر دستگاه گوارش وقتی تکمیل میگردد که فردی با این عادت غلط بخواهد در اثنای استراحت شبانه با آمیزش جنسی حجم قابل توجهی از نیروی خود را مستهلک نماید.

شایان ذکر است که این عادت غلط یعنی صرف دیر وقت شام به همراه عادات اشتباه دیگر نظیر نجویدن کامل طعام، مصرف بیش از اندازه مواد غذایی دارای طبع سرد، علاقه به میل چای و غذایی داغ، نوشیدن مایعات بین غذا، صرف چای بعد از غذا، مصرف نوشابه های گازدار باعث شده که - طبق اعلام مراجع رسمی کشور - ۸۰٪ مرگ های ناشی از انواع سرطان در ایران، مرگ بر اثر سرطان معده باشد.

ب: درمان اختلالات جنسی در طب سنتی و طب رایج

مدخل : بر اساس آموزه های طب اسلامی - سنتی، غالب شدن سردی در بدن که در طغیان خلط بلغم به اوج خود می رسد سبب ایجاد یا تشدید دسته ای از بیماریها در اعضای دارای مزاج سرد بدن از قبیل مغز، معده و استخوانها می گردد و در نتیجه فرد بلغمی (سردمزاج) در مغز به بیماریهای نظیر صرع، فراموشی، کند ذهنی، تشنج و بحرانهای عصبی. در معده به بیماریهای نظیر نفخ، ورم شدید و یبوست. در استخوانها به بیماریهای نظیر روماتیسم، درد مفاصل و ضعف مغز استخوان مبتلا میگردد که مجموع بیماریهای ذکر شده باعث بروز مشکلاتی از جمله بی میلی و اختلال جنسی می شود.

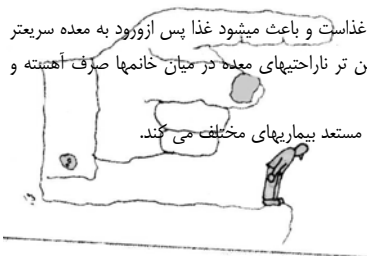
درمان اختلالات جنسی در طب سنتی :

طیب مجرب با حذف عوامل سردی بخش از طریق اصلاح تغذیه و خون و در صورت نیاز تجویز داروهائی با منشأ طبیعی به درمان عارضه می پردازد.

درمان اختلالات جنسی در طب مدرن : از آنجا که در طب مدرن، اغلب اختلالات جنسی درمان قطعی ندارند و از طرفی داروهای موجود نیز در عمل فاقد تأثیرند، به عنوان نمونه در یک نوع از

۱. آغشته شدن غذا با بزاق داخل دهان بوسیله زبان و دندانها، اولین مرحله هضم غذاست و باعث میشود غذا پس از ورود به معده سریعتر هضم شده، فشار کمتری به جهاز هاضمه وارد شود. یکی از دلایل آمار نسبتاً پائین تر ناراحتیهای معده در میان خانمها صرفاً آغشته و جویدن مناسب غذاست.

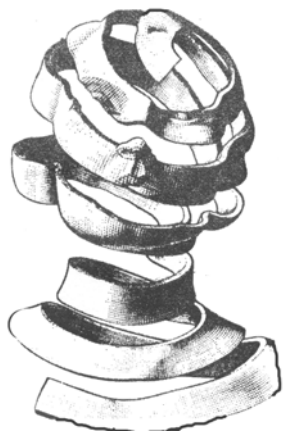
۲. چون طبع معده سرد است مواد غذایی با طبع سرد با افزایش برودت معده، آن را مستعد بیماریهای مختلف می کند.



اختلالات شایع جنسی (انزال زودرس) یک توصیه و راه سهل الوصول، استفاده از مواد بی حس کننده می باشد. بدین ترتیب که زوج با استفاده از آنها مدت زمان طبیعی آمیزش جنسی را گاه تا یک ساعت به تاخیر می اندازد که همین امر اثرات بسیار مخربی بر شبکه عصبی، قلب، مغز و... وارد می آورد. تداوم به کارگیری روش فوق به دلیل احساس بالای رضایت جنسی زوجین، ارزانی و نیز دستیابی و استفاده آسان؛ باعث بروز بحرانهای عصبی، ناراحتی های قلبی وگوارشی، لرزش اندام، اضطراب، افسردگی و غیره در زوجین و علی الخصوص زوج خواهد شد.

بخش سوم: برخی از انحرافات مبنائی طب غربی

- *ابتداء طب غربی بر شالوده نظریه های نادرست*: یکی از فیلسوفان دوران رنسانس که آراء و نظرات او نقش به سزایی در تکوین و گسترش تمدن مدرن داشت، دکارت بود که دید جزء نگر و مکانیکی او به سرعت اغلب حوزه های علوم انسانی، تجربی، فیزیک و من جمله پزشکی را درنوردید و پزشکان آن عصر، بالهام از دیدگاه های او انسان را کالبد متشکل از اجزاء و قطعات مکانیکی و محروم از مدیریت عالی روح و نفس تعریف کردند. (همانگونه که داروین با تنزل شأن الهی انسان تا حد یک حیوان، صراحتاً منشأ اولیه خلقت آدمی را در حیوانی بنام «میمون» دانست.) این تعریف و تلقی ماشینی و فاقد روح الهی از انسان، نطفه انحراف عظیمی را در طب منعقد کرد که منجر به تولد طب مدرن موسوم به «طب مولکولی» و حذف مکتب طبی بو علی سینا از صحنه شد. از نتایج مخرب تعریف حیوانی از حقیقت وجودی انسان، یکی هم شبیه انگاری و جایگزینی ساختمان و ویژگیهای بدنی حیواناتی نظیر میمون، موش، خوک و خرگوش بجای ساختمان بدنی انسان در حوزه درمان و دارو سازی بود که به نوبه خود سهم بسزایی در انحراف طب ایفا نمود. بعد از این تاریخ بود که به مرور مجامع پزشکی با مدد گرفتن از



تجهیزاتی همچون میکروسکوپ در پی یافتن عامل بیماریها قدم به دنیای سلولها و مولکولها نهادند که نتیجه آن تجویز دارو، برای سلولها و مولکولهای مختلف بدن صرف نظر از کلیت بدن، شاخه شاخه شدن و تخصصی شدن بیش از حد و افراطی طب شد^۱.

گفتنی است همان زمان دانشمند و متفکر متألّهی چون نیوتن نسبت به ورود نظریات و تفکرات غیر الهی انحرافی به دنیای علم معترض شد و در برابر این پدیده به مبارزه علمی و روشنگری پرداخت ولی طولی نکشید که عنایت سردمداران مدعی آزاد اندیشی نهضت تجدد اروپا شامل حال ایشان گردید و آن چیزی نبود جز؛ سلب کرسی استادی دانشگاه ایشان و سپس طرد این دانشمند از محافل علمی. نکته ای که ذکر آن در اینجا ضروری به نظر میرسد این است که از دلایل اصلی حذف مکتب طبی ابوعلی سینا از صحنه علمی و اجتماعی اروپای آن روز نه نقص و ضعف آن - که به اعتراف چند تن از مورخان مشهور غربی طبی پیشرو، مؤثر و فراگیر در آن دوره بوده است - بلکه وجود تعصبات شدید ملی و مذهبی در پیشقراولان نهضت تجدد بود که استیلای علمی مسلمانان بر اروپای مسیحی را بر نمی تافتند^۲.

نکته دیگری که با توجه به مطالب این بند بیان آن خالی از لطف نیست این است که صرف نظر از صحت و سقم دیدگاه تقسیم علم به اسلامی و غربی و مشاجرات طرفداران آن نمیتوان منکر تأثیر جهان بینی، پیش زمینه های معرفتی و فلسفی برجست گری کلی علم گردید. همانگونه علمای جلیل القدر اسلام با استناد و تمسک به آیات نورانی قرآن کریم و آموزه های منظومه تفکر اصیل اسلامی توانستند خود را از بیشتر انحرافات دانشمندان غیر مسلمان و غربی مصون بدارند که تأسیس طب اسلامی-سنتی با مبانی خدامحور و انسانی و با توانمندیهای محیرالعقول در بیش از هزار سال پیش، شاهد مثال این ادعاست.

۱. یکی از نتایج زیانبار شاخه شاخه شدن طب مدرن (تخصصی شدن) بروز پدیده ای به نام تداخل دارویی است که خود موجب ایجاد بیماریهای جدید در بیمار تحت درمان می شود. با این توضیح که در اغلب موارد، بعنوان مثال متخصص کلیه، دارویی را برای کلیه تجویز می کند بدون اینکه تأثیرات مخرب داروی تجویز شده روی مغز و سلول های آن را بداند یا متخصص قلب، دارویی را برای سلولهای قلبی تجویز می کند بدون اینکه ملتفت زیانهای آن دارو بر روی کبد، معده باشد و....

۲. ویلیام دویت از مورخان غربی با اشاره به فتح شهر قسطنطنیه بزرگترین مرکز تمدن اروپا در سال ۱۴۵۳ میلادی بدست ترکان عثمانی و انقراض امپراطوری روم شرقی می نویسد: «نخستین ضربتی که در آن هنگام از لحاظ انتقام جوئی بر پیکر فرهنگ و تمدن اسلام در اروپا وارد آمد این بود که علوم یونانی را جانشین علوم اسلامی ساختند... زیرا هر چه باشد یونان در عین حال که یک کشور اروپائی بود اختلاف مذهب با سایر کشورهای اروپائی نداشت. بنابراین اروپائیان با یک تصمیم فوری و قاطع خود را از یوغ تمدن عرب و اسلام نجات دادند.» برای مطالعه نمونه های دیگر به بخش ضمائم (اعترافات) رجوع شود.

- سرکوب بیماری و حذف علائم بیماری به جای درمان و ریشه کنی از

طریق تجویز دارو: عبارت دیگر، اصل در طب مدرن درمان (سرکوب)

بیماری به مدد تجویز داروست، در صورتیکه اصل اولیه باید درمان از طریق اصلاح تغذیه باشد چه آنکه منشأ اغلب بیماریهای انسان، استفاده از مواد غذایی مضر برای سلامتی و عدم استفاده از اغذیه مفید برای سلامتی است.



- استفاده گسترده و بی حد و حصر از داروهای ناسازگار با طبیعت بدن انسان (داروهای شیمیایی، رادیو داروها و...)^۲

۱. به عنوان نمونه خالها، جوشها و لکههای روی بدن، شوره سر و نیز یف کردگی زیر چشمها پس از خواب، در موارد متعددی از علائم ناراحتی کبد می باشند. طب مدرن هنگام برخورد با این علائم غالباً بجای درمان کبد به حذف و سرکوب علائم از طریق تجویز انواع پمادها، آنتی بیوتیکها، شامپوها و محلولهای شیمیایی بسنده می کند. البته در چند دهه اخیر با آشکار شدن تبعات ناگوار این راهبرد غلط، مکانی در دل طب مدرن متولد شده اند که تغذیه را اساس درمان می دانند لکن از این جهت که عمده غذاها و خوراکیها در زمان حاضر صنعتی و مضر می باشند و از طرفی توصیه های تغذیه ای بر اساس طب و مزاج مواد غذایی و طبع و مزاج بیماران نمی باشد، این مکاتب درمانی در عمل موفقیت چندانی ندارد.

۲. تاریخچه و چگونگی ورود داروهای شیمیایی به عرصه درمان: پاراسلس (۱۵۴۱ - ۱۴۹۳) کیمیاگری سوئیسی بود که به پزشک شدن اظهار علاقه می کرد ولی چون بیشتر ایام جوانی خود را به سیر و سیاحت می گذراند فرصت فراگیری آن را نمی یافت ولی در هر کشوری مطالبی را درباره کیمیاگری می آموخت و از ستاره شناسان و ساحران درباره سعد و نحس کواکب مطالبی فرا می گرفت. وی پس از مراجعت از سوئیس با آنکه از پزشکی اطلاع چندانی نداشت به توصیه یکی از دوستان متنفذش در شهر بال به کار پزشکی پرداخت. در آن زمان معمول بود که پزشکان اعمال جراحی هم انجام می دادند ولی چون پاراسلس از تشریح بدن انسان بی اطلاع بود، از اقدام به اعمال جراحی اکراه داشت. در دائرة المعارف علوم پزشکی که در اواخر قرن ۱۹ میلادی به زبان فرانسوی در صد جلد تألیف شده است، در جلد ۲، صفحه ۵۰۶ در شرح حال پاراسلس آمده است: « علت اکرام پاراسلس از اعمال جراحی کمی مهارتش در این فن و علت آن هم بی اطلاعی او از کالبدشناسی بود، در چنین حالی معلوم نیست با کدامین حيله و ترفند و صحنه سازی، او را به تدریس در دانشگاه بال سوئیس مأمور کردند. رسم در آن زمان این بود که در دانشگاهها به زبان لاتینی گفتگو می کردند ولی چون پاراسلس به این زبان آشنا نبود، به زبان آلمانی تدریس می کرد. از آن رو علاوه بر دانشجویان، تعداد فراوانی از افراد عادی و عامی نیز به سخنان او گوش فرا می دادند. حال درست در نظر مجسم کنید که یک شخص بی سواد و شیاد ولی هوشمند و جاه طلب و موقع شناس چگونه از موقعیت موجود در اروپا بهترین سود و بهره را حاصل کرد.

چون او را استاد دانشگاه کرده بودند به ناچار باید طب تدریس کند و چون جز ترجمه [کتاب] قانون ابن سینا، برای تدریس کتابی در آن زمان وجود نداشت و او نیز از مندرجات آن هیچ نمی دانست، چاره منحصر به فرد این بود که به اقدامی جنون آمیز دست بزند. این بود که با کاری متهورانه با یک تیر دو نشان زد و به این وسیله اولاً بر بی سوادی خویش سرپوش گذاشت و ثانیاً خود را در تاریخ پزشکی به عنوان یک مرد بزرگ و انقلابی معرفی کرد. توضیح آن که در آن زمان، اروپا تشنه انقلاب بود و اوضاع سیاسی ایجاب می کرد که در هر رشته از علوم، انقلاب بزرگ ظاهر شود و ملل اروپایی را از زیر سلطه فرهنگ و تمدن اسلامی که مدت چند قرن مردم آن قاره را مستخر خود کرده بود، رهایی بخشد. در چنین اوضاع و احوالی پاراسلس که اختلال دماغی اش به دلیل الکلیسم مزمن از یک سو و مجاورت دائم با حرارت آتش کوره کارگاه کیمیاگری و تنفس بخارهای زهرآگین از سوی دیگر غلیان و طغیان یافته بود، با وقاحت در روز افتتاح کرسی استادی خود کتاب قانون ابن سینا را در آتش افکند و سوزاند و با غرور جنون آمیز فریاد کشید: «با کمال بی باکی به شما می گویم که موهای پشت گردن من، بیش از کلیه دانشمندان شما معلومات دارد. تکمه های کفش من از ابن سینا خرمندتر است و ریش من از آکادمی شما تجربه بیشتری دارد...» و سپس پزشکان حاضر در جلسه را مخاطب ساخت و با حدت و حرارت افزود: «شما با پیروی از عقاید

- انحصار عامل بیماری در میکروب و کم اعتنائی به سهم روح و روان در ایجاد بیماری و در پی آن کاربرد گسترده آنتی بیوتیک ها برای از بین بردن میکروبها و باکتریها در حالیکه بسیاری از آنها نقش بسیار مهمی در تامین سلامت دارند.

- پناه بردن به عمل های جراحی در مقیاسی وسیع در حالیکه در طب سنتی به ندرت و بعنوان آخرین راههای درمانی صورت می گیرد.

پزشکان پیشین چنین خیال می کنند که چیزی از پزشکی می دانید و حال آنکه ابداً چنین نیست. کلید اصلی پزشکی و به ویژه درمان شناسی قبل از هر چیز در کیمیاگری است. ای پزشکان که به خود عطر می زنید! دستکش های سفید را از دستانتان و حلقه های طلا را از انگشتان خود به درآرید. در آزمایشگاه و در میان ذغال ها غوطه ور شوید. شب و روز در آتش کار کنید. از این راه با مشاهده و تجربه، معلوماتی مفید و مثبت برای درمان بیماری ها پیدا خواهید کرد.» این عبارات که محکم ادا می شد حتی امروز هم برای هر شنونده ای جالب و کاملاً فریبنده است و هر کس را می تواند اغفال کند به ویژه در آن زمان که در کلیه کشورهای اروپا یک نوع هرج و مرج علمی کامل حکم فرما بود و هر کس هر مطلب تازه ای ابراز می نمود که به نظر منطقی جلوه می کرد، خریدار فراوان می یافت. اروپا در آن زمان تازه از خواب قرون وسطایی بیدار شده و با تمام وجود در التهاب و تشنگی انقلاب و مخصوصاً انقلاب علمی می سوخت و تنها آرزویش شکستن بت شرق زدگی و رهایی از یوغ بندگی علمی مسلمانان بود و در چنین زمینه مستعدی اگر بانگ آزادی از حلقوم هر کس برمی خاست که نجات از وضع موجود آن زمان را نوید می داد، بی درنگ مانند آهنربایی قوی، جماعت کثیری را دور خود جمع می کرد. ولی از آنجا که همه کس را برای همیشه نمی توان فریب داد، بی اطلاعی پاراسلس از اصول و موازین پزشکی و زیانهای که از راه درمان نادرست به بیماران وارد ساخت کار خود را کرد و باعث شد که در مدتی کمتر از دو سال، دیگر نه کسی حاضر بود سخنان او را بشنود و نه بیماری وجود داشت که به او رجوع کند. درمانهای شیمیایی پاراسلس نه تنها نتیجه ای سودمند نداشت بلکه خطرات و تلفاتی هم در بر داشت. یکی از بیماران او به علت صدماتی که از این راه پیدا کرد شکایت نزد قاضی برد و قاضی به نفع او رأی داد و پاراسلس را محکوم کرد. پاراسلس از شدت خشم ناشی از حکم دادگاه نسبت به همه فحاشی کرد و شهر بال را ترک نمود و از آن پس زندگی او با آوارگی همراه شد و در هیچ شهری بیش از یک سال باقی نماند بنا بر گفته ادوارد براون، پاراسلس در یکی از آثار خود به نام پاراگرانوم به پزشکان سراسر عالم می گوید: «این شمائید که باید بر جای پای من قدم بردارید و این من نیستم که باید از شما پیروی کنم... من سلطان پزشکی در جهان خواهم شد و در قلمرویی که من فرمانروای آن هستم شما همه کمر بسته به خدمت خواهید ایستاد. نام مرا به تمسخر یاد می کنید؟ شما را وامی دارم که [۰۰۰] بخورید!» تاریخ طب عرب، ادوارد براون

پی یر روسو نیز در مورد پاراسلس می گوید: «وی دزدی حبله گر بود، تمام اروپا را گردش کرد و به تناسب موقعیت گاهی خود را طبیب و زمانی جادوگر و گاهی استاد نامید و عاقبت هم در شهر بال یک کرسی تدریس فیزیک و پزشکی به دست آورد.» تاریخ علوم، پی یر روسو با این حال قیام پاراسلس به عنوان مخالفت با مکتب پزشکی ابن سینا اثری عمیق در اذهان از خود به جای گذاشت و عده ای زیاد از پزشکان اروپا در کشورهای مختلف روش او را دنبال کردند و به این ترتیب مکتب طبی ابن سینا که با جهان طبیعت سرو و کار داشت و از عوامل طبیعی برای درمان بیماری ها استفاده می کرد رفته رفته در اروپا از میان رفت و طب شیمیایی و فرآورده های ساخت آزمایشگاه های شیمی، جانشین آن گردید. به عبارت دیگر، صنعت جایی طبیعت را گرفت و از همین نقطه بود که اساس علم طب را بیوشیمی تشکیل داد و از اینجا سلطه عجیب پاراسلس که از اوایل قرن شانزده [میلادی] تا امروز (متجاوز از پانصد سال) پزشکان غرب را تحت تأثیر خود قرار داده است به خوبی آشکار می گردد. دارو مسئله پزشکی قرن، سید جلال مصطفوی کاشانی، صص ۲۵ - ۲۳ و نیز بنگرید به: بررسی در طب سنتی ایران و مقایسه آن با طب کنونی جهان، صص ۴۹ - ۱

بخش چهارم: کاستی ها و موانع پیش روی طب اسلامی - سنتی

تا بدینجا هر آنچه که به عنوان نمونه درباره نقاط قوت طب اسلامی سنتی بیان شد و فوائد فراوان دیگری که مجال بیانشان نیست، همه در شرایطی محقق گشته که این طب با بی مهریها و موانع متعددی دست و پنجه نرم می کند که در صورت نبودشان، دستاوردها و توفیقات آن صدچندان می شد. هم اینک به اهم آنها اشاره می گردد:

۱ - حدود یک قرن مبارزه فرهنگی و فیزیکی با طب اسلامی - سنتی، سرکوبی و حذف بزرگان و متولیان اصلی آن توسط اراده های مشکوک^۱ و افراد ناآگاه^۲ و به دنبال آن توقف رسم حسنه تربیت سینه به سینه شاگرد توسط حکیمان مجرب و خیره، محرومیت این مشرب طیبی از اطباء کارگشته و به قدر کفایت در عصر حاضر را در پی داشت که بعنوان بزرگترین فاجعه فرآیند رشد، کمال و گسترش آن را کند و مختل کرده است. از تبعات ناگوار فاجعه فوق می توان به ورود افراد ناآشنا به اصول و ظرایف تشخیص و درمان بیماری به عرصه درمان اشاره کرد که با روشهای درمانی ناقص و غلط، موجبات بدبینی و رویگردانی مردم از طب اسلامی سنتی را فراهم می آورند.

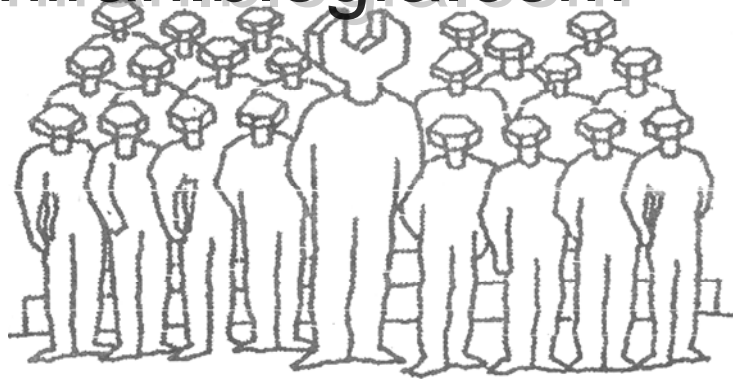
۲ - عدم حمایت متولی رسمی تأمین بهداشت و سلامت جامعه از طب اسلامی سنتی و در موارد متعددی برخورد با متولیان آن^۳ به سبب وجود ذهنیت خرافی نسبت به طب اسلامی سنتی در برخی از مسؤولان نظام درمانی، بی اطلاعی آنان از اصول درمانی این مکتب طیبی و [۰۰۰].

۳- حمایتهای گسترده مالی، تبلیغاتی، تحقیقاتی و آموزشی نهادهای قدرتمند بین المللی از طب غربی و همچنین تدوین و ابلاغ چارچوبهای مطلوب و استیلاجویانه مجامع پزشکی غربی از طریق سازمانهای نظیر سازمان بهداشت جهانی و یونیسف به مراکز مسؤول بهداشتی، درمانی کشورهای جهان از جمله ایران و الزام به اجرای آنها.

۱. حذف طب سنتی از زمان شاهان قاجار با برنامه ریزی و هدایت رجال غربی مرتبط با دربار و جاده صاف کنی روشنفکران غربزده و وابسته ای نظیر تقی زاده ها - که معتقد بود ایرانیان برای پیشرفت باید از فرق سر تا نوک پا غربی شوند - آغاز شد.

۲. طراحی نظام آموزش عالی کشور از ابتدای تأسیس دانشکده های پزشکی تا کنون، به گونه ای است که به دانشجویان رشته های مختلف پزشکی یعنی متولیان و مسؤولان آینده شبکه درمانی کشور هیچگونه مطلبی در رابطه با مبانی طب اسلامی - سنتی ارائه نمی گردد.

۳. در حالیکه طب سنتی کشور چین جزء قانون اساسی آن کشور است، به این معنا که هیچ دولتی حق و توان حذف آن را ندارد. دولت چین نیز چندین سال پیش با تصویب مصوبه ای، رسماً اعلام کرد: دولت، طب سنتی را با طب غربی در موقعیت برابر قرار می دهد. قابل ذکر است با وجود آزادی فعالیت پزشکان طب مدرن در چین، اکثریت مردم این کشور حدوداً یک میلیارد نفری، برای درمان به طبایب سنتی مراجعه میکنند.



۴- عرض اندام مکاتب گوناگون التقاطی و بعضاً انحرافی در حوزه طب طبیعی از قبیل ترغیب به خام خواری و گیاه خواری شناخت طب اصیل اسلامی-سنتی و تمییز انحرافات و آموزه های التقاطی را با دشواریهایی روبرو کرده است.

ویژگی اصلی این مکاتب التقاطی، ناقص و انحرافی؛ بزرگنمایی برخی از وجوه درمانی و بالعکس و نیز محدود نمودن فرآیند درمان در «گیاه درمانی صرف» آن هم بدون در نظر گرفتن طبع و مزاج می باشد. درحالیکه طب اسلامی-سنتی علاوه بر تجویز گیاهان جهت درمان بیماریها دارای ارکان درمانی وسیعی همچون پالایش روحی و روانی بیمار - حجامت خشک و تر- فصد- حقنه (تقیه روده ها) - زالو درمانی - سعوط (روغن ریختن داخلی بینی) - روغن مالی بدن و ماساژ - استحمام صحیح^۱ - استفاده از نوره متناسب با طبع و مزاج افراد است. تبیین مفاهیم پایه ای طب اسلامی-سنتی از قبیل مفهوم سردی، گرمی، تری، خشکی بر مبنای دستاوردهای علمی روز که مبتنی بر تجزیه اجزاء مواد غذایی در شرایط آزمایشگاهی و میکروسکوپی و دیگر روشهای علم مدرن است، مشخصه دیگر مکاتب فوق الذکر می باشد. به عنوان نمونه در تبیین چرائی و علت «سردی» طبع یک ماده غذایی؛ با تجزیه انواع میوه ها، سبزیجات و مواد غذایی در شرایط آزمایشگاهی و بهره گیری از روش استقراء و قیاس، وجود

۱. در گذشته استحمام صحیح در حمام هایی که معماری و فضای قسمتهای چهار گانه آن متناظر و متناسب با مزاج چهار گانه انسانها بوده با آداب ویژه ای انجام می شد که در زمان حاضر به علت متروک شدن این گونه حمام ها اجرای این شیوه درمانی عملاً امکان پذیر نمی باشد. حمام های قدیم چهار قسمت تو در تو داشت که براساس چهار طبع مزاج بنا شده بود. قسمت اول: رختکن متناظر با مزاج سودا (سرد و خشک ۹) - قسمت دوم: محل انجام حجامت واستعمال نوره، دارای حوض آب سرد متناظر با مزاج بلغم (سرد و تر) - قسمت سوم: محل غسل و شستشو دارای خزینه آب گرم و حوضچه هایی برای رفع چرکهای بدن متناظر با مزاج خون (گرم و تر) - قسمت چهارم: برای عرق کردن و گرم شدن و برخی معالجات پزشکی شبیه سونای امروزی متناظر با مزاج صفرا (گرم و خشک). گوستاو لوبون مورخ معروف فرانسوی در کتاب تاریخ تمدن اسلام و عرب ص ۴۵۸ در مورد حمامهای قدیم مسلمانان می گوید: « بین حمام مشرق با حمام مغرب از نظر صحتی و رفع خستگی فرق نمایانی موجود می باشد... واقعاً برای رفع خستگی و درآمدن از کسالت وسیله ای بهتر از این حمام نیست و کاش در شهرهای معظم اروپا چنین حمامی وجود داشت.»

ویتامین C را عامل سردی تشخیص می دهند که بر اساس این مبنای غلط مثلاً فلفل سبز به علت داشتن ویتامین C فراوان باید سرد محسوب شده و کاهو به علت فقر ویتامین C باید گرم محسوب شود درحالیکه در واقع امر، قضیه کاملاً بر عکس است یعنی کاهو سرد و فلفل گرم می باشد! ویژگی دیگر این مکاتب، تولید داروهای گیاهی بر اساس یک فرضیه ناقص علمی است. به این ترتیب که پس از شناسائی «ماده مؤثره» یک گیاه در فرآیند تجزیه آزمایشگاهی و انتساب اثرات درمانی گیاه به ماده مؤثره، بقیه اجزاء و مواد موجود در گیاه را اضافه تلقی کرده، حذف میکنند که عملی اشتباه و غیر قابل دفاع است چرا که طبق جهان بینی الهی آفرینش هیچ ذره و مخلوقی لغو و باطل نیست. در این مورد نیز طبق حکمت الهی تمام ترکیبات بی شمار و متفاوت موجود در یک گیاه نقش خاص و منحصر بفرد خود را دارند و برآیند مجموع آنها موجب بروز مطلوب اثرات درمانی آن میگردد.

برای فهم دقیقتر مطلب تصور بفرمائید مربی یک تیم فوتبال به خیال اینکه عامل مؤثر گلزنی و پیروزی تیمش مربوط به یک یا چند بازیکن خط حمله است دروازه بان یا باقی بازیکنان را از زمین بازی اخراج نماید.

۵- سرکوب سریع علائم بیماری با تجویز گسترده آنتی بیو تیک ها، داروهای شیمیائی و اعمال جراحی در طب مدرن، باعث انس گرفتن قاطبه مردم و بیماران با روشهای درمانی زود بازده و کم رغبتی آنها به درمانها و دارو های طبیعی - که به علت جایگزینی رویکرد درمان کامل و ریشه ای به جای سرکوب علائم بیماری ؛ چرخه جذب، تأثیر دارو و درمان در این مشرب طبی غالباً طولانی تر می باشد - شده و از منظر روانشناسی به مثابه مانعی بر سر راه گسترش طب طبیعی عمل می کند.



۶- فقدان تألیفات جامع و منطبق با اصول روانشناسی و زبان روز، به منظور تبیین طب اصیل اسلامی-سنتی و شناساندن ظرفیتهای فراوان و حیرت‌انگیز آن به اقشار مختلف جامعه، خاصه قشر فرهیخته و تحصیلکرده.

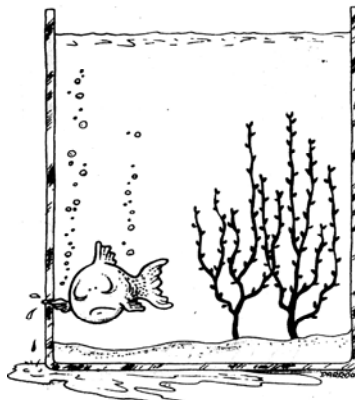
۷- نبود ترجمه‌های روان و منطبق با قواعد ادبی روز، از «منابع دست اول طب اسلامی - سنتی» که صدها سال قبل به زبانهای عربی و فارسی قدیم تحریر و نوعاً بدون فهرست در قالبهای سنگی و خطی، طبع گشته‌اند و امروزه به ندرت قابلیت استفاده عمومی را دارند. دسترسی مشکل به کتب مرجع به دلایل مختلف من جمله بی‌بهره بودن طب سنتی از کتابخانه تخصصی را می‌توان به عنوان مکمل نقیصه مورد اشاره ذکر کرد.

۸- انجام نشدن تحقیقات جامع در مورد احادیث طبی و عدم تشریح حکمت‌های نهفته در احادیث صحیح با کمک روش‌های تحلیلی طب اصیل اسلامی - سنتی.

...و

بخش پنجم: رئوس و اصول حفظ صحت

با عنایت به اینکه یک مسلمان جهت انجام شایسته بخش اعظم تکالیف دینی خویش نیازمند «روح سالم» و «جسم سالم» به صورت توأمان می‌باشد و بیماری و بی‌نشاطی هر یک از این دو، بیماری و بی‌نشاطی دیگری را در پی خواهد داشت^۱، در این بخش سعی بر این است تا از خلال انبوه توصیه‌ها، دستورات و برنامه‌های تغذیه‌ای طب اسلامی - سنتی، رئوس و اصول حفظ «سلامت جسم» با لحاظ محظورات اقتصادی و همچنین



۱. «روح و جسم با هم وحدت دارند، جسم ظل روح است، روح باطن جسم است، جسم ظاهر روح است، اینها با هم یکی هستند، جدایی از هم ندارند، انسان وحدت دارد، باید طیب روحی و طیب جسمی با هم وحدت داشته باشند.» سخنرانی امام خمینی رحمه‌الله علیه در جمع پزشکان قم

با ملاحظه قیود زندگی شهری و تمدنی عصر حاضر تنظیم گردد به این امید که عمل به آنها، با اذن خداوند حکیم، ضامن تأمین بخش قابل توجهی از صحت و سلامتی باشد.

- اصل بسیار مهم (مادر): به منظور معتدل نگه داشتن اخلاط اربعه در بدن، بایستی تغذیه تان متناسب با /اولاً: طبع و مزاج اختصاصی خود. ثانیاً: طبع مواد غذایی مصرفی. ثالثاً: طبع فصول مختلف سال. و رابعاً: طبع اقلیم جغرافیائی محل سکونت، تنظیم گردد.^۱

توصیه بسیار مهم^۱: نظر به اینکه در میان مواد غذایی صنعتی مورد استفاده در خانواده ها، روغنهای نباتی و مایع و همچنین نوشابه های گازدار فوق العاده، مضر می باشند در اولین اقدام بطور کامل از برنامه غذایی حذف گردند.^۲ بجای روغنهای نباتی و مایع میتوانی روغن کنجد یا روغن هسته انگور یا روغن زیتون^۳ را جایگزین نمائید.^۴ آزمایای این روغنها علاوه بر خواص متعدد طبی میتوان به قابلیت سرخ کردن چندین باره مواد غذایی با آنها منهای تولید مواد سرطانزا حین سرخ کردن اشاره کرد. زیرا

۱. با عنایت به اصل فوق صدور دستورالعملهای واحد برای افراد و مناطق مختلف در طب جدید، حرکتی غیر اصولی و غیر علمی است که در این مجال به موشکافی یکی از آنها می پردازیم: توصیه عمومی به نوشیدن مقدار معینی آب (۸ لیوان) در طول روز توسط هر فرد بالغ در هر نقطه جهان با توجه اینکه: /اولاً: افراد بلغمی مزاج (سرد و تر) به دلیل برودت و سردی طبع، نه تنها نیاز زیادی به آب ندارد بلکه آب زیاد میتواند از عوامل بیماری اینگونه افراد باشد. برعکس افراد صغری مزاج (گرم و خشک) که به دلیل گرمای بیش از حد و خشکی بدن نیازمند نوشیدن آب فراوان در طول روز جهت جبران کم آبی ناشی از تعریق و تبخیر مایع بدنشان می باشند. ثانیاً: خود آب به دلیل طبع عموماً سرد و ترش، بایستی برای افراد با مزاج و طبع سرد متناسب با درجه برودت و تری استفاده شود. ثالثاً: در فصلهایی مثل فصل تابستان به علت تعریق زیاد و تبخیر آب بدن، نیاز بدن به آب بیشتر و در فصولی مثل فصل زمستان به علت تعریق کم و تبخیر بسیار ناچیز، نیاز بدن به آب بسیار کمتر می شود. رابعاً: ساکنان مناطق گرمسیری مثل عربستان سعودی و ساکنان مناطق سرد سیری مثل سبیری مطابق تحلیل بالا بدنشان نیازهای متفاوتی به آب دارند؛ توصیه ای غیر علمی و بیماری زاست در حالیکه طبق اصول طب اسلامی - سنتی میزان مصرف روزانه آب برای هر فرد بالغ با توجه به چهاربند بالا از یک لیوان تا بعضاً چندین برابر مقدار توصیه عمومی قابل تغییر است.

۲. مضرات خوراکیهای مذکور مخصوصاً روغنهای نباتی به قدری است که نهادهای بهداشتی بین المللی نیز به دنبال حذف آنها از برنامه غذایی کشورهای جهان هستند ولی به دلیل نداشتن جایگزین مناسبی که پاسخگوی مصرف جهانی باشد تاکنون در این باره توفیقی نداشته اند.

۳. علی رغم اینکه روغن حیوانی یکی از پر خاصیت ترین و بهترین روغن ها می باشد و در روایات و طب اسلامی - سنتی نیز تشویق به مصرف آن شده است، لیکن به علت دارا بودن ذخیره انرژی بسیار بالا، در زندگی کم تحرک شهری به استثنای مشاغل سنگینی مثل کارهای ساختمانی باعث ایجاد رسوب و در نتیجه بیماری در بدن می شود. مصرف آن برای شهر نشینان کم تحرکه در فصول بهار و تابستان ممنوع و در فصلهای پاییز و زمستان متناسب با فعالیت های بدنی بلا مانع است، به شرطی که افراد ۴۰ سال به بالا از مصرف آن در شهبای پاییز و زمستان پر هیز نمایند.

۴. با عنایت به اینکه بهای نوع خالص و مرغوب روغنهای ذکر شده تقریباً پنج برابر روغنهای نباتی و مایع است، خانوارهای طبقه متوسط، جهت اجرای این توصیه، با قناعت، صرفه جویی و حذف هزینه های غیر ضروری و تجملاتی، ما به التفاوت هزینه ناشی از جایگزینی را جبران نمایند. نکته قابل ذکر دیگر اینکه با حذف روغن های نباتی و مایع و متعاقب آن مهار بیماریهای قلبی، مغزی و عروقی مرتبط با مصرف آنها، در حقیقت خود را از صرف هزینه های سرسام آور بیمارستانی در آینده معاف کرده اید که همین امر نشانگر مقرون به صرفه بودن این جایگزینی است. از طرفی در پاره ای از کتب طب قدیم، مطالبی درباره طبخ غذاهای مقوی و پر خاصیت، سالم و در عین حال ارزان قیمت وجود دارد که در طبخ آنها نیازی به هیچ یک از انواع روغنها نیست. (به پاورقی شماره ۴ ص ۲ رجوع شود.)

این روغن‌ها در برابر حرارت تقریبی ۲۵۰ درجه ای خواص مفید خود را حفظ میکنند ولی روغن‌های نباتی و مایع در حرارت حدود ۶۰ درجه مقاومت خود را از دست داده و تبدیل به ترکیبات دشمن سلامتی می گردند کما اینکه در حالت معمولی نیز حاوی ترکیبات بسیار مضر می باشند.

توصیه بسیار مهم ۲: از آنجا که در منابع طب سنتی از «یبوست» تعبیر به «ام الامراض» یعنی مادر بیماریها شده، اقدام اساسی پیشگیری از یبوست و در صورت ابتلاء درمان آن می‌باشد. بهترین و اساسی‌ترین راه، صرف هفته‌ای حداقل دو وعده انواع آش‌های سنتی از قبیل آش‌دوغ، آش‌کشک، آش‌بلغور، آش‌چغندر، آش‌آلو می باشد. خوردن یک قاشق غذاخوری عسل یا شیره انگور یا مقداری حلوا که با شیره انگور تهیه شده باشد؛ به همراه آش، به عنوان مُصلِح، مضرات آن را برطرف می نماید. در قدم بعدی حتی المقدور از خوردن مواد غذایی یبوست آور خودداری فرمائید.

- مراقبت دائمی از اعضای رئیسه بدن (کبد، مغز، قلب) و معده را در دستور کار خود قرار دهید. خاک شیر - روغن زیتون - نعناء - سوپ (جو) با ریختن پودر تخم گشنیز، پودر زیره سیاه، و آبغوره خانگی داخل آن؛ از بهترین مواد مفید برای کبد می باشند. همچنین جلوگیری از غلیظ شدن خون بوسیله حجامت و فصد (طبق تشخیص و توصیه طبیب) راهکار بسیار مهمی در تأمین سلامتی این عضو حیاتی محسوب می شود. لازم به ذکر است که خاک شیر، روغن زیتون و نعناء از مواد مفید برای معده نیز می باشند.

- به هر طریقی که مقدور است فعالیت بدنی داشته از کم تحرکی اجتناب کنید.

- حتی المقدور از مصرف محصولات غذایی صنعتی به علت استفاده از مواد نگهدارنده مضر، اسانسها، هورمونها، رنگ‌های شیمیائی، ترکیبات اسیدی و علل دیگری از این دست خودداری نموده به جای آنها از محصولات خانگی و طبیعی استفاده فرمائید.

- حتی المقدور از مصرف گوشت گاو و گوساله پرهیز نمائید. در روایتی از پیامبر اعظم صلوات الله علیه گوشت گاو، درد و مرض معرفی شده است.^۱ همچنین ابوعلی سینا در کتاب مخزن الادویه ۱۶ بیماری از جمله سکنه و سرطان را به گوشت گاو نسبت داده می نویسد: «گوشت گاو دیر هضم و خون

۱. از آن رو که توصیه بهترین و مفیدترین مواد برای مغز، قلب و معده به طبع و مزاج افراد بستگی دارد از ذکر آنها خودداری می گردد. در عین حال که باید توجه داشت بهترین توصیه عمومی در رابطه با سه عضو مغز، قلب و معده که بر توصیه های غذایی و دارویی نیز اولویت دارد دوری از بحرانهای عصبی است. برای اطلاع از طبع و مزاج خویش به اطبای متبحر در مزاج شناسی مراجعه فرمائید. چون ممکن است فردی دارای مزاج مرکب باشد، به این معنا که در عضوی از اعضای او یک خلط، و در اعضای دیگر او اخلاط دیگری تجمع کرده باشند که تشخیص دقیق این مزاجهای مرکب فقط از عهده مزاج شناس متبحر بر می آید. یکی از علل مرکب شدن طبع و مزاج، به احتمال زیاد، مصرف بیش از حد غذاهای مواد خوراکی صنعتی و شیمیائی است، زیرا در دو دهه اخیر که این گونه ماکولات جایگاه ویژه ای در سبد غذایی خانوار یافته اند، شاهد سیر صعودی و فوق تصور آمار افراد دارای طبع و مزاج مرکب می باشیم.

۲. قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم : « لحم البقر داء و لبنها دواء » « گوشت گاو درد و مرض و شیرش دوا و داروست. » بحار، ج ۵۹،

تولید شده از آن سوداوی و سبب امراض سوداوی همچون انواع سرطاناتها، جذام، ورم سپرز (طحال)، داءالفیل، واریس، بهق (پسی اندام)، جرب (گری)، قوبا (پسوریازیس)، وسواس، تب ربع، درد مفاصل، عرق النساء، قطع حیض، ولادت پیش از وقت و سبب خارش بدن و موت فجأة (مرگ ناگهانی در اثر سکنه قلبی یا مغزی) میگردد.»

- حتی المقدور هفته ای حداقل سه بار شربت عسل و لیمو ترش : یک لیوان آب گرم + مقداری عسل طبیعی به همراه چند قطره لیموترش تازه به مقدار *داخواه*؛ میل شود. *حفظ نشاط جوانی و طراوت پوست صورت همچنین تقویت مواد حیاتی موجود در نطفه از خواص نوشیدنی فوق است.*

- حتی المقدور روزی یک قاشق غذاخوری عسل به هر طریق که مایلید میل فرمائید.
- از نوشیدن انواع چای های مفید سنتی که بالغ بر سی نوع می باشند، به تناسب خواص اختصاصی آنها و ذائقه و حال شخصی، غفلت نفرمائید. در برخی از منابع طبّی قدیم از چای سیاه (چای مصرفی عموم مردم) با عنوان خبیث ترین دم کردنی یاد شده است و عموم متخصصان طب سنتی نیز بدون اینکه منکر چند فائده آن باشند از نوشیدن آن نهی می کنند. حتی المقدور از این نوع چای کمتر استفاده فرمائید. در صورت تصمیم به ترک نوشیدن چای سیاه، این امر باید با کاستن تدریجی از کمیت و کیفیت (غلظت) آن صورت گیرد.

- کسانی که در معرض ابتلاء به پوکی استخوان می باشند علی الخصوص خانمها هفته ای یک وعده *کالاجوش* (کله جوش) و یک وعده *اشکنه* میل فرمایند. در زمان حاضر سن شایع آغاز ابتلاء به پوکی استخوان در طیف گسترده ای از خانمها بین ۳۵ تا ۴۰ سالگی است اما در گذشته بعلت تبعیت از دستورات تغذیه ای و غیر تغذیه ای حکمای مجرب و از جمله استفاده از کالاجوش و اشکنه سنتی، عده کمی از خانمها آن هم عموماً در حدود ۸۰ الی ۹۰ سالگی مبتلا به پوکی استخوان می شدند.

- سالی حداقل یک بار در بهترین روز انجام «حجامت» در سال که توسط معصومین علیهم السلام، روز هفتم حزیران رومی تعیین شده است، تحت نظر طبیب مجرب سنتی دارای مجوز تأسیس مطب از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، *حجامت عام* انجام دهید.^۱ لازم به ذکر است حدود پانصد روایت در رابطه با توصیه به انجام حجامت، آداب انجام آن، فواید آن و زمانهای مناسب انجام آن در منابع حدیثی موجود است.

۱. بیش از ۱۲۰۰ پزشک دارای مدرک دکتری در رشته های مختلف طب مدرن، تحت آموزشهای مؤسسه تحقیقات حجامت ایران (متولی قانونی طب اسلامی - سنتی) در سراسر کشور، خدمات طب اسلامی - سنتی ارائه می دهند. در صورت تمایل، آدرس و شماره تماس این مراکز را از مؤسسه مذکور استیاع فرمائید. همچنین از این طریق می توانید از عضویت پزشکانی که ذیل عنوان این مؤسسه فعالیت می کنند اطمینان حاصل فرمائید. لازم به ذکر است درباره قریب به اتفاق پزشکان مذکور، عضویت در این مؤسسه، به معنای تبحر در طب اسلامی - سنتی نیست، بلکه صرفاً به منزله تأیید دارا بودن مدرک دکترای دانشگاهی در شاخه های مختلف طب مدرن و حداقل اطلاعات مقدماتی در زمینه طب اسلامی - سنتی است و لا غیر.

بخش نهم: مطالبی پیرامون حجامت

چون حجامت یکی از ارکان بسیار مهم طب اسلامی-سنتی می باشد، در این فرصت به منظور ایجاد انگیزه، ساز و کار تأثیر حجامت و گوشه ای از فوائد حیرت انگیز و اثبات شده آن با بیانی ساده تقدیم می شود:

الف) ساز و کار تأثیر حجامت: بطور خلاصه می توان گفت حجامت با (۱) پالایش خون از طریق خارج کردن فضولات و سموم خون که بر اثر فعل و انفعالات اعضای مختلف بدن، سوخت و سوز مواد غذایی، آلودگیهای آب وهوائی و ده ها عامل دیگر ایجاد می گردند. (۲) پاکسازی جداره رگها و عروق منتشره در سطح و اعماق بافتهای بدن از رسوبات. (۳) تولید خون تازه از طریق فعال کردن سامانه خونسازی بدن و تزریق آن به چرخه جریان خون بدن؛ طی فرآیندی شگفت انگیز تمام اعضای بدن را تحت تأثیر قرار میدهد. به عبارت دیگر حجامت با پالایش خون از فضولات و ترکیبات بیمارزا مثل چربی، قند و اوره اضافه و پاکسازی رسوبات چسبیده به جداره رگها، راه رسیدن خون تازه و تصفیه شده به بافتهای بدن را تسهیل میکند.

ب) گوشه ای از فوائد حجامت: با توجه به ساز و کار تأثیر حجامت پیشگیری از سکتته های مغزی و قلبی، تقویت سامانه دفاعی بدن و افزایش حافظه از مهمترین فوائد عمومی و اثبات شده حجامت است. به عنوان نمونه بر اساس تحقیقات یک تیم آلمانی به سرپرستی دکتر یوکا سالونن که گزارش آن در مجله اشپیگل شماره سپتامبر ۱۹۹۲ درج شده است، حجامت با کاهش میزان آهن سرم از سکتته های قلبی و مغزی پیشگیری می کند.

ج) شبهات مخالفان حجامت: علی رغم اینکه حدود پانصد حدیث پشتوانه سنت حجامت می باشد و تحقیقات علمی داخل و خارج کشور نیز ثابت کننده فوائد غیر قابل انکار این سنت محمدی است، با این حال با مخالفتهای سرسختانه ای روبروست. هم اینک به دو استدلال مشهور مخالفان که عمده شان از طبقه پزشکان و برخی از مسئولان شبکه درمانی کشور هستند پاسخ داده می شود:

شبهه اول: عده ای از مخالفان ضمن اینکه منکر سنت حجامت و توصیه های معصومین علیهم السلام درباره انجام آن نیستند، معتقدند حجامت هیچ فرقی با خونگیری از ورید ندارد و به مخاطبانشان توصیه میکنند بجای انجام حجامت، به پایگاههای سازمان انتقال خون مراجعه کرده، خون خود را اهداء نمایند.

پاسخ: این نظریه در صورتی درست است که ثابت شود ترکیبات خون حاصل از حجامت، با ترکیبات خون حاصل از خونگیری وریدی یکسان است. خوشبختانه آزمایشهای متعدد صورت گرفته بر

روی خون حجامت و خون وریدی در مراکز متولی حجامت از جمله مؤسسه تحقیقات حجامت ایران، خلاف نظریه مخالفان را اثبات می کند. در این مجال، نتایج یکی از آنها که در درمانگاه حجامت بیمارستان لقمان، با رعایت چارچوبهای علمی یک آزمایش و تحقیق، انجام شده است، با حذف جزئیات غیر ضروری، ارائه می شود :

ترکیبات خونی	اسید اوریک	اوره	کلسترول	تری گلیسیرید	کراتینین	قند
خون حجامت	۷/۶۸	۳۵/۲۳	۲۷۶/۳۵	۲۳۱/۳۲	۰/۹۳	۹۵/۰۹
خون ورید	۶/۵۲	۳۲/۰۶	۲۰۲/۹۴	۱۶۱/۹۷	۰/۸۸	۷۴/۰۹

همانطور که ملاحظه می شود غلظت ترکیبات خونی، علی الخصوص کلسترول و تری گلیسیرید در خون حجامت، نسبت به خون وریدی که در یک زمان از داوطلبان اخذ شده، بیشتر است. به عبارت دیگر در خونگیری به روش حجامت، فضولات و سموم بیشتری از بدن دفع شده است. علت این اختلاف هر چه که باشد، مهمترین نتیجه ای که از بررسی این آزمایش و آزمایشهای مشابه دیگر به دست می آید این است که خونگیری وریدی با حجامت تفاوت دارد.

دلیل دیگر: با عنایت به این مطلب که مطابق تجربیات بی شمار، انجام حجامت باعث کاهش حرارت بدن و انجام فصد باعث افزایش حرارت بدن می شود و از طرفی با نظر داشت این نکته که اثرات خونگیری وریدی امروزی نیز تا حدودی مشابه اثرات فصد در طب قدیم است، مشخص می شود خون گیری وریدی بر خلاف حجامت باعث افزایش دمای بدن می شود و این خود دلیل دیگری است بر تفاوت خونگیری وریدی با حجامت.

آیا انجام حجامت باعث کم خونی می شود؟ با عنایت به بند های ۱ و ۳ قسمت الف بخش ششم جزوه، بر خلاف تصور عمومی، درصد اعظمی از خون خارج شده از موضع حجامت شامل سموم و فضولات خون است و فقط در صد کمی از آن حاوی ترکیبات مفید خونی است و با توجه به اینکه تولید خون تازه از خواص حجامت است، انجام حجامت باعث بروز کم خونی در حجامت شده نمی گردد. به همین علت فرد حجامت شده می تواند بدون نگرانی از ضعف بدنی ناشی از کم خونی و با مراعات جوانب امر، با مراجعه به پا یگاههای انتقال خون، عبادت اهدای خون به بیماران نیازمند را به جای آورد. البته افرادی که به کم خونی شدید مبتلا هستند از اهدای خون خودداری فرمایند و در صورت تصمیم به حجامت، حتماً با متخصص مربوطه مشورت نمایند.

شبهه دوم: انجام حجامت باعث ابتلاء حجامت شونده به ایدز و هیپاتیت و انواع بیماریهای عفونی میشود. همچنین تیغ حجامت باعث قطع وریدها، رشته های عصب و نخاع شده موجب فلج شدن و مرگ حجامت شونده میشود.

پاسخ: اولاً حجامت در مطبهای مورد تأیید وزارت بهداشت، با وسایل یکبار مصرف و تیغ جراحی استریل انجام می شود و وزارت بهداشت نیز از فعالیت مطبهایی که اصول بهداشتی حین انجام حجامت را رعایت نمی کنند جلوگیری می نماید. دوماً: از مکانهای انجام حجامت در بدن، هیچ رگ و عصب مهمی عبور نمی کند! ثالثاً: از آنجا که در حجامت، تیغ بیشتر از دو الی پنج میلیمتر بیشتر وارد محل انجام حجامت و از جمله محل حجامت عام یعنی بین دو کتف نمی شود و همچنین فاصله سطح پوست از نخاع بعث تورم ناشی از بادکش حین حجامت حدود دو سانتی متر است و از همه مهمتر رشته نخاعی، درون محفظه ای از جنس استخوان است؛ قطع نخاع بوسیله تیغ کوچک حجامت غیر ممکن و محال است. ثالثاً: اگر انجام حجامت آن هم به تعداد انگشت شمار و با تیغهای استریل و پوست ضد عفونی شده باعث ابتلاء حجامت شونده به ایدز و هیپاتیت شود، باید بر اساس قواعد عقلی، آن دسته از آقایان که حداقل هفته ای یکبار با تیغهای غیر استریل و آغشته به میکروب، صورت ضد عفونی نشده و آلوده خود را اصلاح می کنند و به کرات آن را زخمی می نمایند، مخزن و بروسهای ایدز و هیپاتیت باشند و با توجه به اینکه حسب مشاهدات میدانی جمعیت این گروه از آقایان در کشور بالغ بر چندین میلیون نفر است و با امعان نظر به روشهای انتقال ویروس ایدز، باید در ایران هفتاد میلیونی حداقل سی میلیون نفر ایدزی وجود داشته باشد!

از آنجائیکه چندی پیش یکی از مسئولان درمانی، متقاضی صدور حکم حکومتی، برای ممنوعیت حجامت در کشور شده بود، در این قسمت از بحث بی مناسبت نیست فتوای تنها شخصیت حقوقی مجاز به صدور حکم حکومتی (مقام معظم رهبری) درج شود. ایشان در جواب استفتائی که حکم انجام حجامت سؤال شده است، مرقوم فرموده اند: « مانع ندارد.»^۱

۱. شاید خواندن جملاتی از یکی از علمای فرزانه عامل به این سنت محمدی و نیز صاحب تألیفاتی در حوزه طب و طبابت؛ در درک اهمیت بیشتر این سنت نبوی راه گشا باشد:

« حجامت، سنتی از سنن شریعت غرآی محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است که در اعمال آن تأکید بسیار شده است و روایات عدیده در ترغیب و تأکید بر آن صادر شده است. » - به نقل از کتاب: *حجامت، طب اسلامی و زالو*، سید محمد طبری پور
« در مدینه فاصله ای که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل خواهند داد، ده رکن اساسی احیاء خواهد شد که بی شک یکی از آن ارکان، حجامت می باشد. » - آیه الله حسن زاده آملی

در انتهای این گفتار برای اطمینان خاطر بیشتر از بی خطر بودن حجامت، فرآزی از اظهارات دکتر پولاک پزشک مخصوص ناصر الدین شاه مندرج در کتاب خود به نام ایران و ایرانیان را می آوریم با تذکر این نکته که در زمان حضور ایشان در ایران نه از استریلیزاسیون و بتادین خبری بوده و نه از تیغهای ضد عفونی شده جراحی : «... در اینجا ناگزیر از اعتراف به این مطلبیم که من جز دو مورد هیچ عاقبت زینباری از حجامت در ۳۹ سال اقامت خود در ایران ندیدم و در این دو مورد هم زخم حجامت تبدیل به ورم شده بود و دلاک را متهم می کردند که چاقوی کثیف به کار برده است.»

د) اهم مراقبتها و اعمال قبل، حین و بعد از حجامت :

تذکر: رعایت اغلب توصیه های این بند موجب تأثیر بهتر حجامت شده و از مضرات احتمالی آن می کاهد.

اعمال قبل از حجامت :

- اگر فشار خونتان پائین است ۲ الی ۳ روز مانده به انجام حجامت مایعات بیشتری مثل شربت عسل و شربت نبات استفاده نمایید تا فشارتان در روز حجامت مناسب باشد. البته با گوشه چشمی به اصل مادر درج شده در بخش پنجم جزوه.
- ۱۲ ساعت قبل از حجامت از خوردن ماهی و تخم مرغ خودداری فرمائید.
- ۲۴ ساعت قبل از حجامت از آمیزش جنسی پرهیز شود.
- ۲ الی ۳ ساعت قبل از حجامت غذای کافی (نه زیاد، نه کم) میل فرمائید. چون هنگام حجامت معده نباید پر یا خالی باشد.

اعمال حین حجامت : خواند دعای وارده که در بیشتر مطبهای حجامت موجود است، خواند آیه الکرسی و فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد

اعمال بعد از حجامت :

- ۱۲ ساعت بعد از حجامت، مجاز به شستشوی محل زخم حجامت می باشید. در این فاصله مطابق فتوای مقام معظم رهبری خواندن نماز با خون حجامت به شرطی که موضع حجامت بیش از حد آلوده (خونی) نشده باشد، بلا مانع است. بدیهی است کسانی که از مرجعی به جز ایشان تقلید می کنند، باید طبق فتوای مرجع تقلید خود عمل نمایند.
- تا ۳ ساعت، از خوردن نمک و اغذیه نمک دار و همچنین خوردن مواد دارای چربی از قبیل گوشت، کره، ماست، تخم مرغ خودداری فرمائید. در صورت امکان انار یا شربت عسل میل فرمائید.

- تا ۲۴ ساعت، از فعالیت شدید بدنی و کار سنگین خودداری فرمائید تا زخم موضع حجامت، در زمان کوتاهی ترمیم شود.

چند نکته:

- خانمها در ایام عادت ماهیانه (ایام حیض) از انجام حجامت خودداری فرمایند.
- در ایام ابری و طوفانی بهتر است حجامت انجام نشود.
- بنا به فرمایش معصومین علیهم السلام، روز جمعه، حجامت کردن ممنوع است.
- بهترین فصل برای انجام حجامت، به ترتیب: بهار - پائیز - تابستان و زمستان است.
- هفتم حزیران ماه رومی (تقریباً معادل ماه خرداد) بهترین روز انجام حجامت در سال است. تقویمهای نجومی ساده ترین راه جهت تطبیق ماههای رومی با ماههای شمسی است.
- در روایات، بیشترین تأکید برای انجام حجامت روزهای هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم و همچنین دوازدهم تا پانزدهم ماههای قمری است.
- روز پنجشنبه بهترین روز انجام حجامت در طول هفته است.
- بهترین ساعت انجام حجامت، ساعت دوم و سوم روز یعنی دو یا سه ساعت پس از طلوع آفتاب.

بخش پایانی

در این بخش روی سخن با آن دسته از افراد بی غرض و خوش نیتی است که علی رغم دلبستگی به دین و مظاهر آن و حتی در مواردی انتساب به دین بر این باورند که آموزه ها و اصول طبی - بهداشتی مُندرج در قرآن کریم و بیانات نورانی حضرات معصومین علیهم السلام آموزهائی ابتدائی، غیر دقیق و ناقص اند و مربوط به دورانی هستند که در آن، مسلمانان به دلیل بضاعت ناچیز علمی و فکری، فاقد ظرفیت لازم برای هضم و درک مراتب کامل و پیشرفته علم طب بوده اند. ولی بشر امروز به لطف پیشرفتهای چشمگیر علمی موفق به ابداع اصول نوین در حوزه طب و درمان گردیده که بسیار کامل تر، معقول تر و کارا تر از اصول طبی ۱۴ قرن پیش می باشند فلذا اصول طبی مندرج در متون دینی به علت عدم تطابق با اصول علمی روز، اصولی غیر علمی، متروک و غیر قابل استفاده اند. عده ای از آنها پا را از این نیز فراتر نهاده، اظهار می دارند اگر خود معصومین علیهم السلام نیز در این زمان در قید حیات بودند به جای ترویج اصول صحی و درمانی اسلام به ترویج دستاوردهای بشری در حوزه علم طب می پرداختند!

با عنایت به روایات ذیل:

قال الباقر عليه السلام لسلمة بن كهيل واحكم بن عتيبة: «شرقاً و غرباً فلا تجدان علما صحيحا الا شيئاً خرج من عندنا اهل البيت»^۱
امام باقر عليه السلام خطاب به سلمة و حكم : «اگر به شرق و غرب بروید به دانش صحیح دست نمی یابید مگر آنچه از نزد ما اهل البیت صادر شده باشد.»
قال الباقر عليه السلام : «كلُّ ما لم يخرج من هذا البيت فهو باطل»^۲
امام باقر عليه السلام : « هر [حکم و دانش]ی که از خانه ما [اهل البیت] صادر نشده باشد باطل است.»

قال الصادق عليه السلام : «... فليذهب الحسن يمينا و شمالا فوالله ما يوجد العلم الا ههنا»^۳
امام صادق عليه السلام : «... به خدا سوگند اگر حسن [بصری] به چپ و راست [عالم] بود علم را جز در این خانه [اهل البیت] نخواهد یافت.»
و روایات دیگری با مضامین روایات بالا و یادآوری این نکته که بخش عمده ای از علوم عصر حاضر و منجمله طب مدرن محصول تجربه و اندیشه صرف بشری است به نظر می رسد صاحبان این نظریه ملتفت توالی فاسد اعتقادی^۴ و عملی این استدلال نیستند. به عنوان نمونه یکی از توالی فاسد عملی این نظریه رشد قارچ گونه « عرفانهای منهای دین» در کشور می باشد که میلتان و مروّجان آن، دقیقاً با تمسک به جوهره نظریه و استدلال معتقدان به منسوخ شدن اصول طب اسلامی، تکنیک ها و روشهای نوین و مدرن کسب آرامش روحی، تمرکز فکر و ذهن، اتصال روح به منبع لایزال ؛ نظیر مدی تیشن و یوگا را جایگزین عباداتی همچون « نماز» می نمایند.
جهت پی بردن به خطای فکری به این دسته از افراد توصیه می شود علاوه بر تعمق در توضیحات بالا به بخش ضمیمه این نوشتار که حاوی قطره ای از اعترافات قابل تأمل اندیشمندان غربی است، توجه فرمایند.

مؤخره :

با عنایت به ضربات وارد شده بر پیکره طب اصیل اسلامی سستی که به قسمتهائی از آن در بخش چهارم این مجموعه اشاره گردید و همچنین مسائل غیر قابل ذکر دیگر، احیاء مجدد این مکتب طبی و جبران خسارتهای وارده بر آن، به تلاشهای مبرم دلسوزان و فرهیختگان، نیازمند است تا به مدد الهی

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷ / ۴۳ / کافی، ج ۱، ص ۳۹۹ / بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۲ / بصائر الدرجات، ص ۳۰
۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷ / ۷۵ / بصائر الدرجات، ص ۵۳۱ / الحق المبین، ص ۵ (به جای کل ما، کل علم است)
۳. وسائل الشیعه، ج ۲۷ / ۱۹ / تحف العقول، ص ۳۸۷ / الاحتجاج، ج ۲، ص ۶۹ / بصائر الدرجات، ص ۲۹
۴. تشخیص توالی فاسد اعتقادی استدلال، بر عهده خواننده محترم.

با رفع موانع و نواقص، در زمانی بسیار کمتر از حد تصور قابلیت عرض اندام، در ابعاد ملی و بین المللی را پیدا کرده در جایگاه شایسته خود قرار گیرد.

هدف اصلی از تدوین جزوه حاضر نیز ایجاد انگیزه در بین خوانندگان علاقمند و ارائه سرنخ‌هایی جهت تحقیقات^۱ و پژوهش‌های فردی یا گروهی در عرصه تولید علم و نظریه پردازی در راستای رفع موانع اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و کاستیهای طب اصیل اسلامی-سنتی؛ حسب علائق و تواناییهای فردی بود، به این امید که با احیای مجدد طب اسلامی - سنتی، انشاءالله شاهد سربلندی بیش از پیش اسلام و جمهوری اسلامی ایران^۲، قطع وابستگی پزشکی به بیگانگان، تقویت روحیه خودباوری و... باشیم.

۱. «به یافته ها اکتفا نکنید بارها این را تأکید می کنیم که تحقیق ما، علم ما، بایستی بتواند یک بخشی از خلأ های اداره کشور و زندگی بهینه ملت را پر کند. یعنی دانش، تحقیق، باید کاربردی باشد.» مقام معظم رهبری

۲. کشف داروی گیاهی ایدز و پماد ترمیم زخمهای بیماران دیابتی با پایه گیاهی برای اولین بار در جهان، توسط پژوهشگران ایرانی از مظاهر این سربلندی است.

ضمیمه: اعترافات

ذیلاً گوشه ای از اعترافات چند تن از مورخان و پزشکان معروف اروپایی درباره تعصبات غریبه نسبت به مسلمانان، برتری مکتب طبی مسلمانان نسبت به مکاتب دیگر و پیشتازی آنها در رعایت اصول بهداشتی جهت اطلاع خوانندگان از واقعیت‌های کتمان شده در طول تاریخ درج می‌گردد:

* «حقیقت این است که پیروان اسلام از مدت طولانی در زمره شدیدترین دشمنان اروپا محسوب بوده اند. اگر در زمان شارل مارتل و ایام جنگ‌های صلیبی یا جلوی قسطنطنیه تیغ‌های آبدار آنان قلوب ما را جریحه دار نکرده باشد بیشتر از همه تمدن آنان که در نهایت درجه کمال بوده است ما را سرافکننده ساخته و در حقیقت پست و حقیر نموده است.» دکتر گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب

* «بعضیها عار دارند اقرار کنند مسلمانان سبب شده اند که اروپای مسیحی از حال توحش خارج گردد لذا آن را مکتوم نگه می دارند ولی این نظر به حدی تأسف آور است که به آسانی میتوان آن را رد نمود.» دکتر گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب

* «... از سال ۸۱۴ میلادی اروپای لاتین در پائین [ترین] درجات جاهلیت و وحشیگری که تاریخ به یاد دارد فرو رفت و تنها در قلمرو حکمرانان مسلمان یعنی سیسیل و اسپانیا بود که تمدن برقرار ماند.» دکتر سیریل الگود، تاریخ پزشکی جهان

* «از قرن ۱۲ تا ۱۷ [در اروپا] رازی و ابن سینا حتی از بقراط و جالینوس هم برتر شناخته می شدند.» دکتر سیریل الگود، تاریخ پزشکی جهان

* «طب در قرن نوزده، به مقدار زیاد توجه را از بیمار به بیماری منحرف ساخته است. بهترین نمونه این طرز فکر، مریض بیچاره ای است که مانند توپ، بین بخشهای طبی و جراحی دست به دست می‌گردد و تحت آزمایشهای خسته کننده قرار می‌گیرد... آیا طب نوین، گرفتار عظمت و شکوه خیالی شده است؟» دکتر سیریل الگود، تاریخ پزشکی جهان

* «مریضخانه های اسلام موافق اصول حفظ الصحة بنا شده و از مریضخانه های امروز ما بهتر بوده اند.» دکتر گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب

* «این مطلب نهایتاً موافق قیاس است که به قدری که اطبای امروز ما تلفات می دهند، اطبای اسلام در قرن دهم میلادی آنقدر تلفات نمی دادند.» دکتر گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب

* یوهان آبل در کتاب خود با عنوان *Das schropfen. Eine Bewahrte Heil methode* (حجامت یک شیوه درمان آزمون شده)؛ که در سال ۱۹۹۷ میلادی چاپ شده است درباره حجامت می گوید: «من اعتقاد راسخ دارم که نه تنها امروز، بلکه برای همیشه امر حجامت را در درمان بیماریها نباید نادیده گرفت. حجامت پدیده ای است که دخالت در خور [قابل توجه] در تنظیم کردن کار و عملکرد بدن انسان دارد. امری که هرگز با روشهای دیگر نمی توان آن را جایگزین

کرد... مطالعات ما نشان می دهد که در آلمان می توان ۷۵ درصد بیماریها را با شیوه های درمان طبیعی از جمله حجامت درمان نمود. « وی پس از نام بردن بیماریانی که تنها با یک بار حجامت بیماری چندین ساله شان بهبود یافته است می افزاید : « جان کلام این است که چگونه می توان شیوه درمانی [ای] که قادر است در کوتاهترین زمان، بدون عوارض سوء جانبی و هزینه گران و وقتگیر باعث بهبود در یک مرحله شود را به این علت که متعلق به دوران قرون وسطی است نادیده گرفت و از کاربرد آن صرف نظر نمود. »

* پروفیسور ژان هامبورژه استاد معروف فرانسوی پس از یک عمر مطالعه و تحقیق در کتابی با عنوان اندرزهائی به دانشجویان پزشکی، می نویسد : « یکی از نتایج گرایشهای تجارب بی اندازه زیاد، درباره درمان بیماریها این است که رفته رفته نسبت به کلیه داروها بدبین گردیم... از من بعید [دور از انتظار] است که نسبت به داروها این چنین بدبین باشم ولی وقتی که می بینم نه تنها من بلکه همه مؤلفان و اساتید، دارای همین عقیده هستند که در اثر مصرف داروهای کنونی فصل تازه ای به بیماری های انسانی تحت عنوان /ایترورژنیک افزوده شده است، به خود حق می دهیم که چنین بیاندیشیم.»

* دکتر پولاک در صفحه ۴۱۸ کتاب ارزشمند خود /ایران و /ایرانیان می نویسد: «بیماری سل به ندرت در ایران مشاهده می شود.» این گفته دکتر پولاک در دل خود اعترافی است به عظمت طب اسلامی از آن جهت که بنا به گفته دکتر ایوان ایلچ در کتاب قتل عام پزشکی در پزشکی آفت ز، در همان دوران سل در اروپا بیداد می کرده است.

* مجله سازمان جهانی بهداشت مورخه ژوئیه ۱۹۷۸: « به چند دلیل مردم از طب جدید واخورده [شده]، به طرف طب سنتی زمان بقراط، جالینوس و شیخ الرئیس بوعلی سینا دانشمند شهیر اسلامی روی آورده اند... ۴- بعضی از داروهای شیمیائی که امروز تجویز می شوند، چندی بعد مضر و خطرناک اعلام می گردند. ۵- با مصرف داروهای شیمیائی دایره تعداد بیماریها نه تنها تنگتر نشده بلکه وسیعتر گشته است.» گیاه درمانی - محمد صادق رحجان ص ۵

* « مسلمانان اسپانیا به اندازه ای در نظافت مقید بوده اند که ممکن بود یک نفر از طبقه سوم اجتماع با پول نهار خود، صابون بخرد و نهار نخوردن را ترجیح دهد بر اینکه با لباسهای کثیف بیرون برود.» دکتر گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب

استاد دریبیر در کتاب منازعه بین علم و دین می نویسد : « اروپای کنونی از نظر ذوق و تمدن و رونق بالاتر و بهتر از مراکز اندلس در عهد اسلام نیست زیرا خیابانهای شان با نورهای خیره کننده روشن و با زیباترین سنگفرشها پوشیده شده بود و خانه هایشان با فرشهای زیبا مفروش بود و زمستانها خانه ها را با مجمر گرم و تابستانها به وسیله گذراندن هوا از میان ظرفهای پر از گل اطاقها را با نسیمهای معطر، تهویه و خوشبو می ساختند و شهرهای آنها دارای حمام و کتابخانه و مهمانخانه و منابعی برای آب گوارا

بود... در این زمان خانه‌ها را در پاریس و لندن از چوب و گل آمیخته با کاه و نی می‌ساختند و خانه‌هایشان منفذ و روزنه نداشت و فرش برای آنها مجهول بود و به جای آن بر روی زمین، کاه پهن می‌کردند... مردم اروپا معنای نظافت را نمی‌دانستند و مدفوعات حیوانات و آشغالهای آشپزخانه‌ها را جلوی اطاقهای خود می‌ریختند و بوی تعفن و مسموم‌کننده از آن بلند بود.»

* « دانشمندان اروپا تا قرن پانزده [میلادی] قولی را که مأخوذ از مصنفین عرب نبود، مستند نمی‌شمردند. آلبرت بزرگ هرچه داشت از بوعلی سینا فراگرفته و سن توماس، تمام فلسفه‌اش مأخوذ از ابن رشد بوده است. مدار دانش‌های تمام دانشکده‌ها و دانشگاه‌های اروپا تا پانصد سال فقط علوم مسلمین بوده و در بعضی رشته‌های علوم مثل طب، می‌توان گفت که تا زمان ما هم جاری مانده است زیرا در فرانسه مصنفات بوعلی سینا تا آخر قرن گذشته باقی بود و شروچی بر آن نوشته می‌شد.» دکتر گوستا لوبون، تاریخ تمدن عرب و اسلام

پس چه باید کرد ای اقوام شرق؟

زندگی هنگامه برچید از فرنگ
باز روشن می شود ایام شرق؟
شب گذشت و آفتاب آمد پدید
زیرگردون رسم لادینی^۳ نهاد
هر زمان اندر کمین بره ای
آدمیت را غم پنهان از اوست
کاروان زندگی بی منزل است
حکمت اشیاء ز اسرار حق است
اصل این حکمت ز حکم انظر است

آدمیت سخت نالید از فرنگ
پس چه باید کرد ای اقوام شرق
در ضمیرم انقلاب آمد پدید
یورپ^۱ از شمشیر خود بسمل^۲ فتاد
گرگویی اندر پوستین بره ای
مشکلات حضرت انسان ازوست
در نگاهش آدمی آب و گل است
هرچه می بینی ز انوار حق است
هر که آیات خدا ببند حر است

.....

در هلاک نوع انسان سخت کوش
در نسازد مستی علم و هنر
آه از اندیشه لادین او
ساحری نی، کافری آموختند
تیغ را از پنجه رهن

سحر این تهذیب لادینی شکن
تا بگردد قفل معنی را کلید

دانش افـرنگیان تیغی به دوش
با خسان اندر جهان خیر و شر
آه از افـرنک و از آئین او
علم حق را ساحری آموختند
هر طرف صد فتنه می آرد نفیر^۴
بگیر

ای که جان را باز می دانی زتن
روح شرق اندر تنش باید دمید

۱. اروپا

۲. حیوان سربریده

۳. بی دینی

۴. حمله و هجوم و در عربی یعنی شیپور

«در اوایل قرن حاضر وقتی ما با تمدن غرب آشنا شدیم غالباً یکبارہ از گذشته خود بریدیم و با استقبال از این تمدن با خوش بینی بسیار به انتظار آینده نشستیم. نور تندی که از افق غرب به چشمان ما می تابید همه چیز را تحت الشعاع خود قرار می داد. حالت ما در آن دوران شبیه حالت میزبانی بود که پیش

احساس حقارت می کند. چنین میزبانی سعی می کند ظاهر خانه را نو کند و می کوشد تا هر چیز قدیمی و به رنگ نو درآورد تا پیش آن میهمان مشکل پسند خجالت کردیم و با عجله هر چیز قدیمی را که از پدران خود به خانه بیرون ریختیم و سعی کردیم تا چیزی که به سلیقه نمی آید در خانه باقی نماند. از جمله یادگاری های عزیزی که در خانه داشتیم و به دور انداختیم یکی هم سنت ارزشمند پزشکی ما یا طب سنتی بود که چون با طب جدید غربی مشابه نبود خوار و بی مقدار شد و هنوز بسیاریند کسانی که با شنیدن نام طب سنتی تصور می کنند سخن از خرافات باطل پیر زنان است و هنوز بسیاریند کسانی که هر عقیده ای را به صرف غربی نبودن باطل می دانند. اکنون که چند ده سال از آن هنگامه تاراج سنتها و میراثها گذشته است و فهمیده ایم آن میهمانی که در انتظارش بوده ایم، آن قدرها هم که فکر می کردیم مودب و خوش خلق و نجیب و سالم نبوده و نیست و خود به فسادهای گوناگون مبتلاست، شاید وقت آن رسیده باشد که ببندیشیم چه باید بکنیم و چه نباید بکنیم. شاید هنگام آن باشد که بازمانده آن میراث کهن را قدر بدانیم. میراث هزار ساله ای را آتش زده و کنار گذاشتیم و سعادت را در آن دانستیم که غربی شویم.»



که آن

بکنیم. شاید هنگام آن باشد که بازمانده آن میراث کهن را قدر بدانیم. میراث هزار ساله ای را آتش زده و کنار گذاشتیم و سعادت را در آن دانستیم که غربی شویم.»

دکتر غلامعلی حداد عادل، مجموعه مقالات درباره طب سنتی ایران